

یادداشت

مأموریت غیرممکن: پایان جنگ اوکراین



مرتضی شریانی

علم سیاست و روابط بین‌الملل مانند دیگر شاخه‌های علوم اجتماعی بخش از معرفت انسانی است که علاوه بر وابستگی به تحولات پیچیده اجتماعی، با تفکرات و تصمیمات انسان‌هایی سروکار دارد که گاهی می‌توانند به صورت عادی و منطقی فکر و عمل نکنند. درواقع وقتی شما با انسان و تصمیم‌های او سروکار دارید و مبنای مطالعات و پیش‌بینی‌های شما وابسته به تصمیمات یک فرد است، ممکن است با وجود هوش، تجربه و استعداد بالا در حوزه‌های سیاسی و بین‌الملل باز هم نتوانید روند حوادث را پیش‌بینی کنید و این فرایند ممکن است هزینه‌های سنگینی نیز در پی داشته باشد، شاید نمونه کلاسیک این فریند تصمیم استالین در عدم تمرکز قوا در مرز با آلمان نازی در جنگ جهانی دوم باشد. استالین براساس یک تحلیل منطقی تصور می‌کرد هیتلر قبل از پایان جنگ در جبهه غرب و روشن‌شدن تکلیف نبرد با بریتانیا به شوروی حمله نمی‌کند و در این چارچوب از مستقرکردن نیروهای نظامی در مرزهای غربی اجتناب کرد. این مسئله موجب شکست سنگین روس‌ها در روزهای آغازین جنگ و پیشروی بسیار سریع آلمانی‌ها در همه جبهه‌ها شد. امروز همه می‌دانیم که استالین درست فکر می‌کرد و حمله آلمان نازی به اتحاد شوروی تبعات سهمگینی برای هیتلر به بار آورد، اما رهبر شوروی با وجود تجربه سیاسی درخورتوجه و درک عمیق از مختصات روابط بین‌الملل آن دوران، در نهایت نتوانست حرکت هیتلر را به‌درستی پیش‌بینی کند، چراکه در برابر او دیکتاتور آلمان قرار داشت که همواره تصمیمات غیرعادی و شگفت‌انگیزی را اتخاذ کرده بود. حال این تصمیم‌ها می‌توانست مانند نقشه حمله به فرانسه نبوغ‌آمیز و درخشان به نظر آید یا می‌توانست مانند تصمیم حمله به روسیه مصیبت‌بار و جنون‌آمیز تلقی شود. اما مقصود از ذکر این مقدمه نسبتاً طولانی، توضیح شرایطی است که ترامپ برای تحقق وعده‌های زمان انتخاباتش مبنی بر پایان دادن ۲۴ساعته به جنگ اوکراین، گرفتار آمده و امروزه به نظر می‌رسد که شرایط جاری این جنگ، در مسیری است که بیشتر گمان به تشدید روند جنگ است، تا توقف آن. ترامپ در روزهای پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری به صورتی مداوم تأکید داشت که جنگ اوکراین نتیجه سیاست‌های غلط دولت دموکرات و جو بایدن است و تأکید می‌کرد که پس از تصدی سمت ریاست‌جمهوری، جنگ اوکراین را در کوتاه‌ترین زمان ممکن به پایان خواهد رساند. درواقع ترامپ مانند اغلب سیاست‌مداران و تحلیلگران، تصور می‌کرد جنگ اوکراین تبدیل به یک باتلاق برای روسیه شده است که این کشور تلاش دارد به شکل آبرومندانه‌ای از آن خارج شود و در صورت ارائه برخی امتیازات به این کشور، می‌توان آن را راضی کرد که به جنگ پایان دهد. ترامپ همچنین تصور می‌کرد که دلیل ادامه جنگ، سرخشی و لجاجت جو بایدن مبنی بر تحریم روسیه، مذاکره‌نکردن با آن و رد تمام درخواست‌های این کشور است و در صورت آغاز روند دیپلماتیک، روسیه راضی خواهد شد تا با تبادل امتیاز جنگ را پایان دهد. داده‌های میدانی هم حکایت از فرسایشی‌شدن جنگ داشت و درواقع به جز یک بازه زمانی کوتاه حدودا دوماهه در روزهای اول جنگ، تحرک نیروها بسیار اندک شده بود و خطوط برخورد نیروهای روسی و اوکراینی جابه‌جایی اندکی داشت. نکته درخورتوجه این است که در بین رهبران ارتش غربی، تنها ارتش روسیه به چنین تفکراتی داشت و در سال‌های گذشته حتی امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، هم بارها بر ضرورت پذیرش درخواست‌های منطقی روسیه و مدیریت تنش‌ها تأکید کرده بود.

اما وقتی ترامپ به ریاست‌جمهوری رسید، با واقعیتی مواجه شد که با برآوردهای قبلی او تفاوت عمیقی داشت. ترامپ کار خود را با کاهش حمایت از اوکراین و تشدید حملات لفظی به ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهوری این کشور، آغاز کرد که این فرایند در نهایت به درگیری لفظی شدید بین ترامپ و معاون او با زلنسکی در دفتر بیضی کاخ سفید انجامید. پس از این اقدامات و پس از تهدید ترامپ به قطع کمک‌های نظامی، اوکراین به‌راحتی تسلیم شد، چراکه این کشور بدون حمایت آمریکا، شانسی برای مقاومت در برابر روسیه نداشت. ترامپ در این مسیر به مخالفت متحدان اروپایی خود هم وقعی نمی‌نهاد، چراکه می‌دانست کشورهای اروپایی به دلیل ضعف صنعتی و نظامی قادر به حمایت فعال از اوکراین در برابر روسیه نیستند، بنابراین ترامپ پس از تحمیل چارچوب مدنظر خود برای صلح در اوکراین، به طرف روسیه رفت تا فرایند صلح را نهایی کند و در این مسیر تلاش کرد از روابط شخصی خود با پوتین نیز استفاده کند. اما رئیس‌جمهور آمریکا و همراهان او به‌زودی متوجه شدند که پوتین تنها به دنبال پیروزی قطعی است و به چیزی کمتر از آن را رضایت نمی‌دهد. برای ترامپ برقراری آتش‌بس در اوویت بود اما رهبر روسیه به‌هیچ‌وجه نمی‌خواست فشار را بر اوکراین و مردم آن کاهش دهد، بنابراین به آتش‌بس رضایت نمی‌داد. ترامپ حتی وقتی متوجه شد رهبر روسیه حاضر به قبول آتش‌بس نیست، نظر او را قبول و دوباره شرایط جدید را به اوکراین و متحدان اروپایی‌اش تحمیل کرد و تلاش کرد مذاکرات صلح را بدون آتش‌بس ادامه دهد. اما شرایط روسیه اصلا پذیرفتنی نبود. روسیه می‌خواست مناطق دیگری در شرق اوکراین، علاوه بر تمام مناطقی که از خاک اوکراین تصرف کرده بود، به خاک روسیه منضم کند. همچنین روسیه خواهان آن بود که اوکراین به میزان درخورتوجهی خلع سلاح شده و در آینده نیز حق نداشته باشد که در انتلاف‌های نظامی و امنیتی غربی حضور داشته باشد.

درخواست‌های روسیه اصلا معقول و پذیرفتنی نبود و این کشور حداکثر چیزی را می‌خواست، که در صورت ادامه جنگ و پیروزی نهایی می‌توانست به آن دست یابد. ترامپ هزینه سیاسی درخورتوجهی را صرف کرد که متحدان آمریکا راضی به صلح با شرایط رهبر روسیه شوند، اما پوتین به‌هیچ‌وجه نرمش نشان نداد. نکته در اینجااست که از نظر نظامی و سیاسی هم درخواست‌های روسیه پذیرفتنی نبود و مختصات نظام بین‌الملل و شرایط جبهه‌های نبرد به نحوی نبود که موجب امیدواری روسیه شود. البته ارتش روسیه در یک سال اخیر تا حدی دست بالا را در جبهه‌های نبرد به دست آورده است، اما این کشور فاصله زیادی با تقوq نهایی و قطعی بر اوکراین دارد. در عرصه بین‌المللی هم روسیه نه از جایگاه اقتصادی و صنعتی و نه از منظر نفوذ سیاسی و بین‌الملل قادر به رقابت با بلوک متحد غرب به نظر نمی‌رسد. حال پوتین بر چه چیزی حساب می‌کند؟ البته روشن است که فرهنگ اقتدارگرای حاکم بر روسیه و موج توسعه ملی‌گرایی در این کشور، موجب می‌شود که مردم روسیه تحمل بیشتری را در برابر مصائب ناشی از طولانی‌ترشدن جنگ داشته باشند. اما وقتی چشم‌اندازی برای حصول به نتایج بهتر وجود ندارد، تصمیم رهبر روسیه به درخواست‌های حداکثری برای پایان دادن به جنگ بسیار پریسک به نظر می‌رسد، به‌ویژه آنکه ممکن است ترامپ با ناامیدی از حصول صلح در اوکراین، سلاح‌های جدیدی را به اوکراین تحویل دهد و توازن فعلی هم به هم بخورد که درآن‌صورت می‌تواند موجب بشود درخواست‌های حداکثری امروز پوتین نتایج نامطلوبی را برای روسیه به دنبال داشته باشد.

مهدی بازارگان؛ نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از بعدازظهر دیروز چهارشنبه آغاز شد و تا فردا جمعه ادامه خواهد داشت. نشست که در فضایی متفاوت از دوره‌های گذشته برگزار می‌شود، زیرا طبق اعلام رسمی آژانس، با پایان‌یافتن اعتبار قطع‌نامه ۲۲۳۱، سند حقوقی و ضامن اجرایی برجام موضوع نظارت بر اجرای توافق هسته‌ای ایران دیگر در دستور کار این دوره قرار ندارد. اطلاعاتی‌ای که در وبگاه آژانس منتشر شده، تأکید می‌کند جلسه امسال بدون بررسی بخش مربوط به پایش تعهدات هسته‌ای ایران تشکیل می‌شود؛ امری که در سال‌های گذشته همواره یکی از محورهای اصلی نشست‌های شورای حکام بود.

آغاز نشست با قرائت بیانیه افتتاحیه رافائل گروسی همراه شد و پس از آن، مدیرکل آژانس در یک کنفرانس خبری پاسخ‌گوی پرسش‌های خبرنگاران بود. دستور کار رسمی این نشست طیفی گسترده از موضوعات فنی و حقوقی را شامل می‌شود؛ از بررسی درخواست‌های عضویت کشورهای جدید در آژانس و گزارش کمیته کمک‌های فنی گرفته تا بحث درباره ایمنی هسته‌ای و مقررات حمل‌ونقل مواد رادیواکتیو، اجرای پادمان‌ها در کره شمالی، وضعیت توافق پادمانی در سوریه، روند همکاری‌های هسته‌ای دریایی در استرالیا و برزیل، انتقال مواد هسته‌ای در چارچوب پیمان آکوس، برابری حاکمیتی اعضای آژانس و نیز تحولات مرتبط با ایمنی و پادمان‌های هسته‌ای در اوکراین. اما بی‌شک مهم‌ترین و حساس‌ترین موضوع نشست، ناظر بر توافق پادمانی این‌پی‌تی با ایران است. درحالی‌که آژانس در سال‌های گذشته مسئول نظارت فنی بر اجرای برجام بوده، انقضای قطع‌نامه ۲۲۳۱ در ۲۶ مهر باعث شد پرونده نظارت بر این توافق از دستور کار شورا کنار گذاشته شود. با این حال، سه مقام رسمی که نخواستند نام‌شان فاش شود، در روزهای اخیر به خبرگزاری بلومبرگ گفته‌اند کشورهای غربی قصد دارند در نشست آتی دستورالعمل‌های تازه‌ای برای بازرسان آژانس تهیه کنند تا بتوانند وضعیت ذخایر هسته‌ای ایران را با سازوکارهای جدید ارزیابی کنند؛ نشانه‌ای از اینکه بحث درباره برنامه هسته‌ای ایران همچنان در مرکز توجه قدرت‌های جهانی باقی خواهد ماند.

گروسی چه گفت؟

نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با بیانیه رافائل گروسی شروع به کار کرد. مدیرکل آژانس، در نخستین بخش این نشست گزارش تازه خود درباره وضعیت برنامه هسته‌ای ایران را قرائت کرد؛ گزارشی که در مقایسه با دوره‌های گذشته با حساسیت بیشتری دنبال شد، زیرا پس از حملات مرسوم به ژوئن علیه تأسیسات هسته‌ای ایران و تعلیق بخشی از همکاری‌های تهران با آژانس، روند بازرسی‌ها با اختلال جدی روبه‌رو شده است. گروسی در گزارش افتتاحیه خود اعلام کرد که بازرسان آژانس پس از یک وقفه چندماهه به ایران بازگشته‌اند و در تأسیساتی که در حملات تیرماه هدف قرار نگرفته بودند، بازرسی‌هایی انجام داده‌اند. او درعین‌حال تأکید کرد برای بازگرداندن کامل فعالیت‌های راستی‌آزمایی و نظارت فنی، «تعامل بیشتری» میان تهران و آژانس ضروری است. نخستین روز تیرماه امسال، تأسیسات هسته‌ای ایران در نطنز، فردو و اصفهان هدف حملات نیروی هوایی آمریکا قرار گرفت؛ حمله‌ای که با مشارکت مستقیم واشنگتن در عملیات مشترک با اسرائیل صورت گرفت و به گفته مقامات کشورمان، نقض آشکار حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور بود. هرچند ساختمان‌ها و تجهیزات دچار خسارت‌های سنگین شدند، اما براساس گزارش‌های رسمی، میزان تشعشعات خارجی افزایش نیافت و خطر انتشار مواد هسته‌ای وجود نداشته است.

گروسی در گزارش خود با اشاره به همین حملات گفت: «برای آنکه بازرسی‌های کامل از سر گرفته شود، به تعامل جدی‌تر با ایران نیاز است». او توضیح داد: «تهران باید دسترسی آژانس را به تأسیسات آسیب‌دیده و همچنین به موجودی‌های اورانیوم غنی‌شده با غنای پایین و بالا فراهم کند؛ زیرا تعیین وضعیت دقیق این مواد موضوعی نیازمند رسیدگی فوری است». مدیرکل آژانس تأکید داشت: «نبود دسترسی به این مواد طی پنج ماه گذشته، عملاً انجام راستی‌آزمایی‌های معمول را مختل کرده و فاصله‌ای غیرمتعارف در ثبت و تطبیق اطلاعات ایجاد کرده است».

در بخش دیگری از گزارش، گروسی یادآور شد: «پس از پایان اعتبار قطع‌نامه ۲۲۳۱، موضوع نظارت بر اجرای توافق هسته‌ای ایران دیگر در دستور کار شورای حکام قرار ندارد و آژانس اکنون صرفاً بر تعهدات ایران ذیل توافق پادمانی و معاهده منع اشاعه تسلیحات اتمی (ان‌پی‌تی)



«شرق» از روز اول نشست فصلی شورای حکام گزارش می‌دهد

روی خط وین

متمرکز است». رئیس دیده‌بان هسته‌ای سازمان ملل همچنین به توافقی اشاره کرد که در ۹ سپتامبر ۲۰۲۵ در قاهره با عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، امضا کرده است. این توافق، چارچوبی برای انجام بازرسی‌های آژانس، زمان‌بندی ابلاغیه‌ها و شیوه‌های نظارت پس از حملات ماه ژوئن تعیین کرده بود و به گفته گروسی: «ایران از زمان امضای این تفاهم‌نامه در برخی بخش‌ها همکاری‌های درخورتوجهی با آژانس داشته است». با این حال او تأکید کرد: «آژانس هنوز گزارشی درباره وضعیت تأسیسات آسیب‌دیده و مواد هسته‌ای موجود در آنها از تهران دریافت نکرده و هیچ فعالیت راستی‌آزمایی در این سایت‌ها انجام نشده است». گفتنی است که زمینه این وضعیت به تصمیم اخیر ایران برمی‌گردد. تهران پس از حملات نظامی آمریکا و اسرائیل اعلام کرد گروسی در ایفای وظایف قانونی خود، ازجمله حفاظت از تأسیسات تحت پادمان، کوتاهی کرده و گزارش‌های جانب‌دارانه او در ماه‌های گذشته عملاً زمینه‌ساز این حملات بوده است. ضمن آنکه اقدام تروئیکای اروپا در فعال‌سازی مکانیسم ماشه سبب شد تا توقف توافق قاهره در دستور کار قرار بگیرد و بخشی از همکاری‌ها با آژانس به حالت تعلیق درآید. با این حال، ایران همچنان اعلام کرده آمادگی بررسی پیشنهادهای جدید برای دستیابی به یک چارچوب همکاری تازه را دارد؛ هرچند تصمیم‌گیری نهایی درباره سطح و نوع تعامل با آژانس به شورای‌عالی امنیت ملی واگذار شده است.

عراقچی نیز پیش‌تر در ۱۱ اردیبه‌ماه گفت بود که تعلیق اجرای توافق قاهره پس از آن انجام شده که آلمان، فرانسه و بریتانیا اقدام به فعال‌سازی سازوکار موسوم به «ماشه» کرده و عملاً تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران را بازگردانده‌اند. با وجود این تنش‌ها، گروسی اعلام کرده آژانس همچنان آماده همکاری با ایران است و انتظار دارد تهران نیز برای احیای روند نظارتی گام‌های عملی بیشتری بردارد؛ مسیری که آینده آن بر تحولات سیاسی و امنیتی منطقه و تصمیم‌های تهران در هفته‌های آینده وابسته خواهد بود.

در نشست خبری چه گذشت؟

رافائل گروسی در کنفرانس خبری بعد از نشست شورای حکام حاضر شد و به طور مفصل به پیش‌نویس قطع‌نامه‌ای پرداخت که تروئیکای اروپا (بریتانیا، فرانسه، آلمان) و ایالات متحده قصد دارند در شورای حکام آژانس ارائه کنند. محور اصلی این پیش‌نویس، الزام ایران به اعلام دقیق محل فعلی ذخایر اورانیوم غنی‌شده پس از حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران است. گروسی در پاسخ به این پرسش که آژانس چگونه قصد دارد این راستی‌آزمایی را بدون تنش‌زایی بیشتر با ایران انجام دهد، عنوان کرد: «باید ببینیم در نهایت چه چیزی تصویب می‌شود. متن توافق قاهره ارجاعات زیادی به قطع‌نامه‌های پیشین دارد، ما آن را بررسی می‌کنیم. اساساً ایران موظف است تأسیسات خود را اعلام کند. ما می‌دانیم در تأسیسات هدف قرار گرفته چه اتفاقی افتاده و از همه اعلامیه‌های ایران مطلع هستیم. گزارش بعدی ما براساس این خواهد بود».

مدیرکل آژانس ادامه داد: «هیچ‌یک از کشورهای اروپایی یا آمریکا پیش از تدوین این پیش‌نویس با او یا آژانس مشورت نکرده‌اند». او درعین‌حال افزود: «آژانس هرگز از شورای حکام درخواست صدور قطع‌نامه نمی‌کند. این شایعه که قطع‌نامه به درخواست آژانس تهیه شده، کاملاً نادرست است. ما فقط از قطع‌نامه‌های تصویب‌شده پیروی می‌کنیم». گروسی اتهام ایران مبنی بر انتقال اطلاعات آژانس به اسرائیل یا آمریکا را قاطعانه رد کرد و آن را «مطلقاً نادرست» خواند و توضیح داد: «این‌گونه ادعاها همیشه وجود داشته و دارد. برخی در ایران می‌گویند ما اطلاعات می‌دهیم و این به یک «واقعیت پذیرفته‌شده» تبدیل می‌شود؛ درحالی‌که چنین چیزی هرگز رخ نداده است». رئیس دیده‌بان هسته‌ای سازمان ملل با اشاره به اینکه ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران همچنان در محل تأسیسات بیماران شده باقی مانده و این موضوع از سوی دولت ایران نیز تأیید شده، اظهار کرد: «ما تا حد زیادی مطمئن هستیم که می‌توانیم گزارش دقیق و معتبری ارائه دهیم. هنوز به آن تأسیسات دسترسی پیدا نکرده‌ایم، اما بازرسی‌ها را آغاز کرده‌ایم و امیدواریم به‌زودی بتوانیم وارد شویم. تا زمانی که ایران در ان‌پی‌تی باقی بماند که تصمیم عاقلانه و سازنده‌ای است، موظف به پذیرش این بازرسی‌هاست».

گروسی در پاسخ به پرسش درباره تأثیر احتمالی تصویب قطع‌نامه بر همکاری ایران و آژانس گفت: «من رویکرد خود را تغییر نمی‌دهم. حتی اگر قطع‌نامه‌ای هم نباشد،

درمجموع، پیام اصلی گروسی برای روز نشست فصلی شورای حکام این بود که آژانس تحت فشار سیاسی قرار دارد، اما استقلال فنی خود را حفظ خواهد کرد، تعهدات پادمانی ایران پابرجاست و او شخصا مصمم است بدون توجه به نتیجه رای‌گیری شورای حکام، بازرسی‌های ضروری را انجام دهد

ما همین کار را انجام می‌دهیم. قطع‌نامه ممکن است از من بخواهد گزارش خاصی بدهم، اما تعهدات پادمانی و ان‌پی‌تی مستقل از قطع‌نامه وجود دارند. امیدوارم تصویب قطع‌نامه به کاهش همکاری منجر نشود، بلکه باید همکاری ادامه یابد. فعلاً شکاف‌هایی هست که هنوز پر نشده؛ چیزهایی را ندیده‌ایم و باید ببینیم». این دیپلمات ارشد هسته‌ای به دشواری‌های پنج ماه اخیر اشاره کرد و به تعبیر او: «تنها ابزار ما گفت‌وگو با ایران است. قانون جدید مجلس ایران را هم باید رعایت کنیم، شرایط سیاسی و اجتماعی در ایران پیچیده است و انتقادهای زیادی از من و آژانس می‌شود، اما من مصرانه به مأموریت خود ادامه می‌دهم، امیدوارم چه قطع‌نامه تصویب شود و چه نشود، بتوانیم به طور سازنده پیش برویم». در ادامه نشست خبری، گروسی به پرسش‌های حساس‌تری پاسخ داد. او درباره گزارش مؤسسه علم و امنیت بین‌المللی (ISIS) مبنی بر ساخت «محفظه انفجار بزرگ‌تر از پروژه عماد» در ایران، عنوان کرد: «این موضوع مستقیماً به مقررات بازرسی آژانس مربوط نیست. فعالیت‌هایی در گذشته در منطقه طالقان وجود داشت، اما اتلان (آزمایش انفجار معمولی) نیازی به بازرسی آژانس ندارد».

و واکنش به ادعای برخی مقامات ایرانی که می‌گویند «تأسیسات اتمی کاملاً نابود شده و چیزی برای نظارت باقی نمانده»، گروسی قاطعانه رد کرد و گفت: «این درست نیست. همه چیز از بین نرفته است. بخش‌هایی از نطنز به‌شدت آسیب دیده، اما بخش‌های دیگری سالم مانده‌اند. در اصفهان نیز همین‌طور است. فردو هم هدف قرار گرفته، اما اجماع گسترده این است که مواد هسته‌ای هنوز در همان محل‌هاست و ایران هم این را تأیید کرده، بنابراین نمی‌توان گفت چیزی برای دیدن وجود ندارد. حتی اگر کشوری ادعا کند تأسیساتش نابود شده، ما باید خودمان بررسی کنیم؛ این روش عادی یک نظام بازرسی است». مدیرکل آژانس تأکید کرد: «حمله بی‌سابقه به تأسیسات هسته‌ای یک کشور عضو ان‌پی‌تی، توجیهی برای توقف بازرسی‌ها نیست و آژانس پروتکل مشخصی برای چنین موقعیت‌هایی ندارد، اما نیازی هم به پروتکل جدید نیست». او دو چالش اصلی بازرسی از تأسیسات آسیب‌دیده را «الودگی احتمالی هسته‌ای» و «مسائل ایمنی» دانست و درعین‌حال مدعی بود: «آلودگی در این سایت‌ها محدود است و ما دقیقاً می‌دانیم چه باید بکنیم».

گروسی درباره بازداشت «امیررضا جلیلیان»، کارمند ایرانی آژانس که ۱۸ ماه پیش در ایران به اتهام جاسوسی بازداشت و به ۱۰ سال زندان محکوم شده، هم این‌گونه پاسخ داد: «این موضوع کاملاً از برنامه هسته‌ای ایران جداست و به مسائل کارکنان مربوط می‌شود. ارتباطی با فعالیت‌های راستی‌آزمایی ندارد. موضوعی حقوقی است و از طریق کانال‌های قانونی پیگیری می‌کنیم. نباید این دو را به هم ربط داد».

مدیرکل آژانس بار دیگر اتهام انتقال اطلاعات محرمانه ایران به اسرائیل یا آمریکا را به‌شدت تکذیب کرد و مدعی شد: «ما هیچ‌گاه چنین کاری نکرده‌ایم، هیچ سندی وجود ندارد. تکرار یک دروغ، آن را حقیقت نمی‌کند. این تأسیسات و کارگردشان برای همه شناخته‌شده است؛ نیازی به اطلاعات محرمانه آژانس نبوده. این ادعاها در گفت‌وگوهای‌مان با ایران مطرح می‌شود، اما زیاد جدی گرفته نمی‌شود». در مجموع، پیام اصلی گروسی این بود که آژانس تحت فشار سیاسی قرار دارد، اما استقلال فنی خود را حفظ خواهد کرد، تعهدات پادمانی ایران پابرجاست و او شخصا مصمم است بدون توجه به نتیجه رای‌گیری شورای حکام، بازرسی‌های ضروری را انجام دهد.

گزارش

رشیدی کوچی: برخی استیضاح‌ها رنگ و بوی تسویه‌حساب‌های مالی و باج‌گرفتن دارد

یک نماینده سابق با اشاره به اینکه برخی از نمایندگان برای تسویه‌حساب‌های مالی یا باج‌گرفتن اقدام به استیضاح می‌کنند، گفت: این را کسی نمی‌تواند منکر شود. از آن بالاتر به شما می‌گویم، برخی از این تحقیق و تفحص‌ها هم همین است. یعنی استیضاح به دلیل اینکه خیلی رسانه‌ای می‌شود و خیلی روی آن زوم می‌کنند و بولد می‌شود، بیشتر مورد توجه است اما این موضوع هم گاهی پیش می‌آید که رسوایی‌های علنی هم به‌دنبال دارد.

جلال رشیدی‌کوجی، نماینده سابق مجلس، در گفت‌وگو با ایلنا، درباره اینکه برخی از نمایندگان برای مقاصد شخصی و سیاسی و اقتصادی خود اقدام به تهدید وزرا برای استیضاح می‌کنند، گفت: اگر ما بخواهیم بگوییم همه استیضاح‌ها براساس این موضوع است، قطعاً این‌گونه نیست، یعنی ما نباید این‌گونه بگوییم یا اینکه بگوییم همه نمایندگان با این صورت هستند هم باز درست نیست. اینکه بگوییم که همه استیضاح‌ها از سر دلسوزی و خدمت هستند و به خاطر حل مشکلات است، این هم اشتباه است. نه آن نگاه درست است و نه این نگاه. او ادامه داد: همیشه یک‌سری افراد در هر جایگاهی که باشند، به دنبال سوءاستفاده هستند. نمایندگان مجلس هم اختیاراتی دارند، وظایفی دارند و قدرتی دارند. بنابراین این موضوع نه کامل رد می‌شود و نه کامل تأیید می‌شود. در این میان نمایندگانی هم هستند که از ابزار استیضاح برای رسیدن به اهداف خودشان استفاده می‌کنند.

این نماینده سابق مجلس گفت: این اهداف می‌تواند سیاسی باشد، می‌تواند مالی و اقتصادی باشد یا می‌تواند برای فشار به وزیر برای حل مشکلات حوزه انتخابی باشد. یعنی من در سه سطح این را بررسی کردم و همیشه نظرم این بوده، اما این وسط آنهایی که به دنبال اهداف مالی خودشان هستند، قاعداً بدترین نوع کار را پیش می‌برند. رشیدی‌کوجی با اشاره به استیضاح‌هایی که درباره موارد سیاسی صورت گرفته است، گفت: یکی از این نوع استیضاح‌ها به طور مثال در همین دولت بوده و از نظر من استیضاح آقای همتی کاملاً سیاسی بود که همان موقع هم اعلام کردم که این استیضاح به‌هیچ‌عنوان استیضاح فنی و مبتنی بر علم اقتصاد نیست و یک استیضاح سیاسی بود و دیدیم که بعد از آن هم هیچ اتفاقی که نبفاد، بدتر هم شد و اظهر من الشمس بود.

او ادامه داد: گاهی اوقات استیضاح‌ها رنگ و بوی تسویه‌حساب‌های مالی یا باج‌گرفتن می‌دهد. این را کسی نمی‌تواند منکر شود. از آن بالاتر به شما می‌گویم، برخی از این تحقیق و تفحص‌ها نیز همین است، یعنی استیضاح به دلیل اینکه خیلی رسانه‌ای می‌شود و خیلی روی آن زوم می‌کنند و بولد می‌شود، بیشتر مورد توجه است اما این موضوع هم گاهی پیش می‌آید که رسوایی‌های علنی هم به‌دنبال دارد.

این نماینده محلی گفت: اما در بحث تحقیق و تفحص به این شکل نیست، چون خیلی از رسانه‌ها روی تحقیق و تفحص‌های مجلس حساس نمی‌شوند. اما گاهی اوقات این اتفاقات ناخوشایند و نامناسب می‌افتد. رشیدی‌کوجی در بخش دیگری از صحبت‌های خود درباره اینکه چرا در همان دوران نمایندگی با این افراد برخورد نمی‌شود، گفت: حالا اینکه چرا بعد از دوران نمایندگی مجلس یا در همان دوران برخورد نمی‌شود، به نظر من اگر مستندات ارائه شود که فلان نماینده به دنبال تأمین مالی خودش یا نزدیکانش بوده، قطعاً نهادهای نظارتی، امنیتی و مجلس ورود می‌کنند. او ادامه داد: اما مشکل اینجااست که خیلی از این وزرا هم برای اینکه از زیر تیغ استیضاح خارج شوند، حاضر به ارائه انواع استیضاح‌ها، اما اگر موفق شوند، هیچ صدایی از کسی در نمی‌آید. چه از طرف نماینده مجلس باشد چه از طرف وزیر.